

تاثیر اسلام بر هنر ایران (مطالعه جامعه شناختی با تکیه بر آرای رابرت وائنو)

صدیقه پورمختار*

خشایار قاضی زاده**

چکیده

حکومت ساسانی با سیستم حکومتی قدرتمند خود نتوانست در مقابل ورود اسلام مقاومت کند و با حمایت و پذیرش ایرانیان، اسلام راه خود به این سرزمین را باز کرد و منجر به تغییرات مهمی در زمینه‌های گوناگون شد. این پژوهش با هدف شناخت بیشتر فرهنگ و هنر دوران اولیه اسلامی در ایران، به این پرسش پاسخ می‌دهد که نقش شرایط اجتماعی و تغییر فرهنگی در شکل‌گیری هنر ایران قبل و بعد از اسلام چیست؟ روش تحقیق تحلیلی - تاریخی با رویکرد تبیینی - تطبیقی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، با تکیه بر آرای رابرت وائنو صورت پذیرفته است. هنر ایرانی در دوران حکومت‌های مستقل، با احیای زبان فارسی و آفرینش شاهنامه، دوام یافت. در دوران بعد، با توجه به حرمت تصویرگری، هنر، گرایش به سادگی پیدا کرده و هنر اسلامی به تدریج شکل گرفت. به دلیل نداشتن اختلاف ریشه‌ای بین دو فرهنگ اسلامی و ایرانی، دو فرهنگ در کنار یکدیگر قرار گرفته و هنر جدید ایرانی - اسلامی شکل گرفت. برطبق آرای رابرت وائنو جایگاه بافت‌های نهادی در تغییرات اجتماعی این دوران از مهمترین عوامل بوده است.

واژگان کلیدی

تغییر فرهنگی، هنر اسلامی، ایران بعد از اسلام، رابرت وائنو.

*. دانشجوی دکتری تاریخ تحلیلی و تطبیقی هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
s.pourmokhtar@ut.ac.ir

** استادیار گروه هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
khashayarghazizadeh@yahoo.Com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱

طرح مسئله

ظهور اسلام در سال ۶۲۲ میلادی، تغییر و تحولات بسیاری را در سرزمین‌های فتح شده ایجاد کرد. در ایران، ظهور اسلام همزمان با حکومت ساسانیان بود. ورود اسلام به ایران، که بر مبنای توحید پایه‌گذاری شده بود، با خود آموزه‌هایی را به همراه آورد که در همه زمینه‌های حکومت ایرانی تأثیر گذاشت و باعث تغییر بزرگی در آنها شد. تأثیرگذاری اسلام در زمینه‌های مختلف امری بدیهی است، اما چگونگی این تغییرات که منجر به گفتمانی جدید می‌شود را می‌توان از جنبه‌های گوناگون بررسی کرد. آرای رابرت واثنو^۱ (۱۹۴۶ -) جامعه‌شناس و الهی‌دان آمریکایی، که به بررسی چگونگی تأثیرگذاری ساختارهای اجتماعی در پرداختن به سبک‌های جدید و متنوع می‌پردازد، یکی از دیدگاه‌های مطرح در دوره معاصر است که مبنای نظری این پژوهش را تشکیل داده است. مواجهه اسلام با سرزمینی که دارای تمدنی غنی است و چگونگی اثرگذاری بر آن، مسئله‌ای است که در این پژوهش مورد توجه بوده است؛ به‌ویژه در دورانی که حکومت‌های مستقل ایرانی در ایران حکومت می‌کردند، اهمیت بررسی این مسئله را دوچندان می‌کند. این پژوهش با هدف شناخت بیشتر هنر ایران در دوران اولیه اسلامی و بررسی چگونگی تغییر هنرهای ایرانی به اسلامی یا ایرانی - اسلامی، به بررسی تطبیقی هنر ایران در دوره ساسانیان در قبل از اسلام و هنر دوره‌های بعد از اسلام تا قبل از حمله مغول‌ها می‌پردازد. از این رو، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که نقش جامعه و شرایط اجتماعی در شکل‌گیری هنر ایران در اوایل حکومت اسلامی در ایران چیست و عامل و شرایط زمینه‌ساز شکل‌گیری رویکردهای هنری جدید در این دوران در ایران کدامند و فضای اجتماعی و محیط هنری موثر بر این فضا چه بوده است؟

پیشینه پژوهش

با توجه به عنوان و موضوع پژوهش و از آنجا که جامعه‌شناسی با سایر علوم ارتباط دارد، در ارتباط با آرای واثنو در زمینه‌های مختلف، مقالات و کتاب‌هایی نگاشته شده است. پیشینه این پژوهش در یک بخش به بررسی آثار هنری ایران در قبل و بعد از ورود اسلام به ایران و از سوی دیگر به استفاده از آرای واثنو در نقدهای مختلف ادبی، هنری و ... می‌پردازد. ریچارد ایتینگ‌هاوزن و الگ گرابار در مقاله «هنر ایران از قرن دوم تا پنجم هجری» (۱۳۷۶) به منظور بررسی هنر ایران از معماری و نقاشی تا هنرهای دستی، به چند منبع و منشا هنر ایران در صدر اسلام توجه کرده است: دوره قبل از اسلام ایران یا فرهنگ آریایی،

1. Robert John Wuthnow

دوره اسلامی یا فرهنگ سامی. نویسندگان، این دو فرهنگ را جوهره هنر ایران اسلامی می‌دانند. عباس اکبری و حسین یزدی نژاد، در مقاله «مطالعه تطبیقی تشابهات سفالینه‌های متاخر دوره پیش از اسلام و اوایل دوره اسلامی» (۱۳۹۲)، دلیل روی آوردن هنر دوران اولیه اسلامی را به هنر اشکانی و ساسانی، فقر هنری اعراب دانسته‌اند و بیان می‌کنند به واسطه همین تشابهات بین سفالینه‌های دوران قبل و بعد از اسلام در ایران، سوء تفاهم‌هایی در شناخت زمان این آثار پدید آمده است و باعث شده است بسیاری از آثار اواخر دوره ساسانی به اوایل دوره اسلامی و بالعکس منسوب گردد.

مقاله «تأثیر نقوش تزیینی دوره ساسانی بر تزیینات معماری بناهای اوایل اسلامی در نیشابور» (۱۳۹۶) به نویسندگی مریم محمدی و اعظم دینی، به تأثیر هنر ساسانی بر هنر اسلامی پرداخته است. این مقاله ضمن بررسی نقوش این آثار، به این نتیجه رسیده است که نقوش به‌کاررفته در تزیینات بناهای اوایل اسلامی در نیشابور تا حدود زیادی متأثر از نقش مایه‌های تزیینی دوره ساسانی است. این تأثیرپذیری را در سه گروه از نقش مایه‌های انسانی، گیاهی و حیوانی می‌توان مشاهده کرد؛ البته در کنار این تأثیرپذیری، با شکل‌گیری فرهنگ اسلامی، نقوش جدیدی نیز توسط مسلمانان ایجاد شده است.

اصغر احمدی و دیگران در مقاله «تبیین جامعه‌شناختی تولید گفتمان ادبیات داستانی سیاسی در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی» (۱۳۹۳) به مطالعه عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تولید گفتمان ادبیات داستانی سیاسی در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی می‌پردازند. بدین منظور، از نظریه‌های رابرت واثنو، و رندال کالینز استفاده کرده، و مجموعاً چهار متغیر سیاست‌های اصلاحی دولت نوساز، ایجاد بحران در نظم اخلاقی جامعه، شکل‌گیری زنجیره‌های تعامل میان نویسندگان، و بسیج منابع را بر تولید گفتمان مورد مطالعه، مؤثر می‌دانند و به این نتیجه دست می‌یابند که به واسطه سیاست‌های اصلاحی پهلوی دوم، شکل‌گیری طبقه متوسط جدید و طرح ادبیات متعهد، فضای فکری و سیاسی جامعه با وضعیت جدیدی مواجه شد. تشکیل کانون نویسندگان ایران و فعالیت‌های پیگیر اعضای آن و برگزاری شب‌های شعر انستیتو گوته از مهم‌ترین عوامل تجربی مؤثر بر تولید، گزینش، و نهادینه شدن گفتمان ادبیات داستانی سیاسی آن دوره‌ها بوده است.

«تأثیرگذاری ساختار اجتماعی در گرایش به سبک‌های جدید نقاشی ایران دهه چهل و پنجاه با تأکید بر دیدگاه رابرت وسنو»^۱ (۱۳۹۸) نام مقاله‌ای است از مهدی کشاورز افشار و رویا روزبهانی، که

۱. در عنوان این مقاله نام واثنو به شکل وسنو نوشته شده است که با توجه به رعایت استناددهی و ارجاع به همان شیوه‌ای که نویسنده محترم نوشته‌اند، استفاده شده و تغییری در آن ایجاد نشد اما شکل صحیح آن در بقیه موارد رعایت شده است.

در آن با تاکید بر دیدگاه رابرت واثنو، عوامل جامعه‌شناختی موثر بر گرایش‌های جدید هنر نقاشی را در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی ایران، مورد تحلیل قرار می‌دهد و بیان می‌کند منابع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، نیروهای محرکی برای تولید فرهنگ، اندیشه و هنر هستند. مقاله نتیجه می‌گیرد به واسطه سیاست‌های اصلاحی در دهه چهل و پنجاه، شکل‌گیری طبقه متوسط جدید، افزایش جمعیت، ارتقا سطح سوادآموزی و مشارکت زنان در امور، فضای فکری و سیاسی جامعه با وضعیت جدیدی مواجه شد. برگزاری نمایشگاه‌های بزرگ و جشنواره‌ها، تاسیس موزه‌ها و نگارخانه‌ها، پراکنده شدن اطلاعات جدید از تحولات هنر غرب در محافل فرهنگی و مطبوعات، انتشار نشریات هنری و تشکیل نمایشگاه‌های مختلف در خارج از کشور، از جمله مهم‌ترین عوامل تجربی موثر بر گرایش به سبک‌های جدید نقاشی در دوره مورد مطالعه است.

ستار خالدین در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر هنر ساسانی بر سفال دوره اسلامی» (۱۳۸۷) با بررسی ۵۶ ظرف سفالین دوره اسلامی و مقایسه آنها با دوران قبل از اسلام در ایران، به این نتیجه می‌رسد که فلزکاری دوره ساسانی بیشترین تاثیر را بر روی سفالگری دوران اسلامی گذاشته است.

«بررسی ویژگی‌های فرهنگی هنری فلزکاری، در اوایل دوره اسلامی» (۱۳۹۴) عنوان مقاله‌ای است از حسین نوروزی و آزاده ابنا که در آن با توجه به نمونه‌هایی از اشیاء ساخته شده فلزی در اوایل اسلام در ایران، به بررسی ویژگی‌های هنری و نگرش فرهنگی صنعتگران ایرانی در این دوره در مقایسه با دوره قبل از اسلام (ساسانیان) پرداخته شده است. در این پژوهش سعی شده است که تغییرات در شکل، جنس، نقوش تزئینی، تکنیک‌های تزئین و مراکز ساخت آثار فلزی در اوایل دوره اسلامی در ایران بررسی شده و میزان تأثیر تغییرات احتمالی از فرهنگ و دستورات دین جدید (اسلام) را مطرح سازد.

زینب براتی و محسن جاوری در مقاله خود با عنوان «سفالینه‌های نیشابور و سامرا در قرون سوم و چهارم هجری» (۱۳۹۷) ضمن مقایسه آثار این دو مکان در بازه زمانی مشخص شده، به این نتیجه دست یافته‌اند که وجود نمونه‌های سفال مشابه در نیشابور و سامرا، حاکی از تأثیرات هنر ساسانی، هنر چین و اثرگذاری سفال‌گران مقیم عراق می‌باشد که ویژگی‌های منحصر سفال دوره عباسی را رقم می‌زند. سیاست، تجارت، پیوند و ارتباط خانوادگی (ایرانیان و عباسیان)، گردهمایی صنعتگران و هنرمندان در بغداد و وجود راه‌های تجاری آبی و خاکی، تأثیرات گسترده و پراهمیتی را بر آفرینش این سفالینه‌ها برجای گذارده‌اند.

پژوهش حاضر می‌تواند در راستای این پژوهش‌ها قرار گیرد. در پژوهش حاضر به بررسی

چگونگی تغییر گفتمانی و تاثیر عوامل مختلف اجتماعی اقتصادی و.. بر شکل گیری هنر ایران در دوران ورود اسلام به ایران می‌پردازد که با توجه به تغییر ساختاری در نظام حکومتی در آن دوران، شناخت چگونگی تاثیر عوامل مختلف و به نوعی جدید، به شناخت بیشتر هنر ایران و هنر اسلامی ایران می‌انجامد.

روش پژوهش

این پژوهش با هدف شناخت بیشتر شکل گیری هنر اسلامی در ایران و چگونگی تغییر هنر از دوران قبل از اسلام به دوره اسلامی در ایران، با تکیه بر آرای رابرت واثو جامعه‌شناس معاصر و حال حاضر دانشگاه پرینستون، می‌پردازد. با توجه به تغییری که در هنر ایران در این دوران ایجاد شده است، بررسی چگونگی این تغییر در حوزه فرهنگ و هنر از دوران قبل تا اولین دولت‌های اسلامی در ایران را شامل می‌شود. روش پژوهش، تحلیلی تاریخی با رویکرد تبیینی - تطبیقی است که با استفاده از داده‌های تاریخی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری پژوهش فیش‌برداری به انجام رسیده است. از آنجاکه موضوع پژوهش به چگونگی شکل گیری هنر اسلامی در ایران اختصاص دارد، و از آنجاکه ایجاد تغییر در یک نظام فرهنگی و تبدیل شدن به فرهنگی دیگر که از لحاظی مبانی نظری متفاوت است، به گذشت زمان نیاز دارد، بنابراین بررسی هنر اسلامی در ایران را تا دوران خوارزمشاهیان و قبل از حمله مغول‌ها به ایران بررسی خواهیم کرد. بنابراین بازه زمانی این پژوهش اواخر دوره ساسانی (۶۵۱ - ۲۲۴ میلادی)، و بعد از اسلامی هم دوران حکومت‌های مستقل ایرانی از طاهریان تا پایان حکومت خوارزمشاهیان بین سال‌های ۱۲۲۰ - ۸۲۱ میلادی خواهد بود.

مبانی نظری پژوهش

رابرت جان واثو (۱۹۴۶ -) جامعه‌شناس امریکایی و استاد دانشگاه پرینستون است که شهرت وی به واسطه جامعه‌شناسی دین است. واثو با به زیر سوال بردن تطابق میان نظام‌های هنری با ساختار اجتماعی، به طرح این استدلال می‌پردازد که نظام‌های هنری تولید می‌شوند و فرآیند خلق و تولید نظام‌های هنری، نیازمند وجود منابع کافی برای تولید آنها و فضای اجتماعی مناسب برای رشد آنهاست. براین اساس وی مدل نظری خود را برای تبیین تغییر فرهنگی، که مرکب از سه دسته مفاهیم است و هر مفهوم نیز، شامل سه دسته مفهوم است، مطرح می‌سازد.^۱ نخستین دسته از

۱. مهرآیین، شرایط تولید فرهنگ: ریشه‌های ظهور منریسم اسلامی در هند، مصر و ایران، ص ۴۸.

مفاهیمی که واثنو، آنها را برای تبیین تغییرات گفتمانی مطرح می‌سازد، عبارتند از: شرایط محیطی، بافت‌ها و زمینه‌های نهادی، زنجیره‌های کنش. در نظر وی، مفهوم «شرایط محیطی»، اشاره به شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی عام هر یک از دوره‌های تغییر فرهنگی دارد. به اعتقاد واثنو، شناخت مسایلی از این قبیل: آیا یک جامعه در یک دوره معین، دست‌خوش افزایش یا کاهش جمعیت بوده است یا خیر؟ آیا اقتصاد آن رونق داشته یا دچار رکود بوده است؟ آیا فضای سیاسی کلی آن آرام بوده یا دست‌خوش جنگ بوده است؟ آیا جامعه مورد نظر به لحاظ مذهبی، واحد و یک‌دست بوده یا دارای مذهب مختلف بوده است؟ می‌تواند نقطه آغاز مناسبی برای انجام تحقیقاتی از این نوع باشد.^۱ شرایط محیطی یک ابزار کاملاً حساس است، که شامل هرگونه مضمون و محتوای تاریخی خاصی است. از این‌رو، باید با استفاده از اصطلاحات عینی‌تر به عملیاتی کردن آن، در مورد هر وضعیت خاص تاریخی پرداخت. مفهوم دیگری که واثنو، در مدل تبیینی خود بر آن تأکید می‌کند، مفهوم «بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی» است، که بی‌واسطه‌ترین موقعیت‌ها و محیط‌های تولید ایدئولوژی هستند و منابع در درون آنها، ساخت و قالب می‌یابند. مدارس و دانشگاه‌ها، کلیساها و انجمن‌ها و محافل مطالعه، آکادمی‌های علمی، روزنامه‌ها، کارگزاران حکومتی و احزاب سیاسی از جمله بافت‌های نهادی مورد نظر هستند. مفهوم «زنجیره‌های کنش»، سومین مفهوم از دسته نخست است که واثنو، آن را مطرح می‌سازد. به اعتقاد واثنو، فرهنگ، مسئول عمل کنش‌گران تاریخی است. زنجیره‌های کنش در درون بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی، روی می‌دهند. در مدل واثنو، مفهوم زنجیره‌های کنش به رفتار تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فرهنگ و تصمیم‌های حامیان یک جنبش فرهنگی، ماموران سانسور، رهبران سیاسی و دیگرانی که بر رفتار تولیدکنندگان فرهنگ و مخاطبان‌شان تأثیر دارند، اشاره می‌کند.^۲

دومین دسته شامل «تولید، انتخاب، و نهادینه شدن» است. به اعتقاد واثنو، تغییر فرهنگی مرکب از جایگزینی ساده یک جنبش فرهنگی قدیمی با یک جنبش فرهنگی جدید نیست. بلکه فرایند تغییر فرهنگی را می‌توان به سه مرحله یا فرایند فرعی تقسیم کرد: تولید، انتخاب، نهادینه شدن. در مرحله تولید، اندیشه‌ها صورت‌بندی می‌شوند، و بر اساس این اندیشه‌ها، محصولات تولید می‌شوند. هنگامی که محصولات زیادی تولید می‌شود، فرایند گزینش آغاز و بنابراین برخی محصولات قدیمی‌تر کنار گذاشته می‌شوند. در نهایت سازوکارهای معمول برای تولید و اشاعه

1. Wuthnow, Robert, *All in Sync (How Music and Art Revitalizing American Religion)*, p. 128 - 132 .

۲. واثنو رابرت، *جامعه‌شناسی فرهنگ*، ص ۱۴۲ - ۱۴۶.

اشکال خاصی از گفتمان و نهادینه کردن آنها به وجود می‌آیند. تمایزهای مفهومی مزبور به ما کمک می‌کنند، تا بتوانیم مفاهیم ناپروورده و مهار نشدنی ساختار اجتماعی و فرهنگ را به نحوی مناسب در ارتباط و پیوند با یکدیگر قرار دهیم. واثو همچنین، معتقد است با ایجاد تمایز تحلیلی، میان سه فرایند تولید، انتخاب و نهادینه شدن، می‌توان با دقت بیشتری نشان داد که چگونه شرایط اجتماعی بر محصولات فرهنگی تاثیر می‌گذارند.^۱

«افق اجتماعی، قلمروهای گفتمانی، و کنش نمادین»، سومین دسته از مفاهیمی است که واثو، برای تبیین تغییرات گفتمانی مطرح می‌سازد. به عقیده او، محصولات فرهنگی - هنری در زمان و مکان تولید می‌شوند و این دو مختصات، محدودیت‌هایی را بر افق اجتماعی اعمال می‌کنند. پس میزانی از پیوند میان محتوا با این افق‌ها وجود دارد، در عین حال میزانی از گسست هم میان آنها اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. خصوصاً اگر ایده‌ها و محصولات هنری تولید شده از جذابیت و گیرایی ماندگار و مداومی نیز برخوردار باشند. افق اجتماعی هم به وجود آورنده ایده‌هاست و هم به عکس، ایده‌ها در قالب متن‌ها، بازتاب‌دهنده افق اجتماعی هستند. این دو، در حالی که در پیوند با یکدیگرند، مستقل نیز هستند. قلمرو گفتمانی، ساختار نمادینی است که ایده‌ها در قالب آنها بیان می‌شوند و افق اجتماعی در این حوزه‌ها، نمود پیدا می‌کند. قلمرو گفتمانی شیوه و روش‌هایی در اختیار می‌گذارد که می‌شود از طریق آنها، مسایلی را طرح کرد که در تضاد با مولفه‌های افق اجتماعی قرار دارند. به این ترتیب، قلمرو گفتمانی، فضایی مفهومی است که تفکر خلاق را امکان‌پذیر می‌کند. کنش نمادین نیز شیوه‌ای از رفتار است که با در نظر گرفتن مسایل، امکانات و محدودیت‌ها در یک قلمرو گفتمانی، معنادار و منطقی به نظر می‌رسد. واثو معتقد است، فرایند تغییر اجتماعی با برهم زدن مرزهای نمادین تعریف شده در درون یک نظم اخلاقی، با غیر کارکردی ساختن هنرها، شعائر و ایدئولوژی‌هایی که یک نظم اخلاقی را به نمایش درمی‌آورند و همچنین، با مورد تهدید قرار دادن بنیان‌های نهادی یک نظم اخلاقی، آن را دچار بحران و بی‌ثباتی می‌سازد. واثو اصولاً معتقد است بی‌ثباتی و عدم قطعیت در نظم اخلاقی جامعه، فرایند نوآوری را تشدید می‌کند. این بی‌ثباتی، هنگامی پدید می‌آید که هنجارها تغییر کند و رفتارهای مجاز، مطلق بودنشان را از دست بدهند، یا شوکی بیرونی، امکان شیوه‌های رفتار بیشتری را در دسترس قرار دهد. بحران در نظم اخلاقی، باعث بالا رفتن ریسک فعالیت اجتماع، مبهم و آشفته شدن وضعیت‌ها و پیش‌بینی ناپذیر شدن روابط اجتماعی می‌شود.^۲

۱. واثو رابرت، *جامعه‌شناسی فرهنگ*، ص ۲۹ - ۳۰.

۲. همان، ص ۱۶۲ - ۱۵۱.

تحلیل و بررسی

همان گونه که قبلا اشاره شد، رابرت واثو معتقد است نظام‌های هنری تولید می‌شوند و نیازمند منابع کافی برای تولید و فضای اجتماعی مناسب هستند. با توجه به موضوع پژوهش و محدوده تاریخی که اشاره شد و با مبدا قرار دادن ورود اسلام به ایران، با دو گروه و یا نظام روبرو هستیم. نخست، قبل از اسلام؛ نظامی که در این سرزمین به‌طور رسمی حاکم هستند (ساسانیان) و بعد از اسلام، گروهی که بر این نظام وارد می‌شوند (ورود اسلام به ایران). در این بخش، با توجه به دسته‌بندی واثو، این دو دوره جهت بررسی تغییرات فرهنگی و به ویژه هنری، مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

مفاهیم دسته نخست از دید واثو برای تغییر فرهنگی، «شرایط محیطی، بافت‌ها و زمینه‌های نهادی، زنجیره‌های کنش» هستند. در زمان ساسانیان یک نظام طبقاتی بر کشور حاکم بود. در اوستا از نظر کریستن سن، جامعه ایرانی به سه طبقه تقسیم شده است؛ روحانیون، جنگاوران و کشاورزان. در دوره ساسانی تشکیلات جدیدی به وجود آمد که ترتیب طبقات را تغییر داد و به نحوی دیگر این طبقه‌بندی شکل گرفت؛ روحانیون، جنگاوران، مستخدمین ادارات و توده ملت. از مهمترین اصول در ارتباط با این طبقات این بود که ارتقا به یک طبقه و یا افول به یک طبقه امکان‌پذیر نبود.^۱ پس از آنکه اسلام وارد ایران شد، نظام طبقاتی که در ایران ساسانی رایج بود را از میان برداشت. اسلام بر مبنای توحید و شعار برادری و برابری، ابتدا در دل مؤمنان عرب و سپس سایر ملت‌ها رخنه کرد. در زمان جنگ بین مسلمانان و دولت ساسانی، با اینکه ساسانیان ارتش بسیار نیرومندی داشتند، اما نارضایتی مردم و سیستم طبقاتی را می‌توان از علل اصلی شکست ساسانیان دانست.^۲ در دوره ساسانی مذاهب متعددی رواج داشتند که پادشاهان ساسانی برای وحدت در جامعه دین زرتشتی را برگزیدند. پس از فتح اعراب، ایرانیان دین اسلام را پذیرفتند. زیرا ایرانیان هم یکتاپرست بوده و دین زرتشت در آنجا رایج بود. آنان دین اسلام را با تعلیمات فوق‌العاده‌اش با علاقه فراوان پذیرفتند و مسلمان شدند زیرا هیچ مانعی نبود که در جایی که پدرانشان اهورامزدا را می‌پرستیدند، آنان خدای یکتا را پرستش کنند.^۳ بر این اساس، شرایط محیطی که در ایران رایج شد، برافتادن نظام طبقاتی، و ایجاد یک دین واحد که البته در قبل هم در ایران یکتاپرستی رواج داشت، و همچنین بروز جنگ‌هایی که بین اعراب و ایرانیان روی داد، مرحله اول واثو برای تغییر فرهنگی را نشان می‌دهد.

۱. کریستن سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، ص ۵ - ۱۹۱.

۲. مطهری، *خدمات متقابل ایران و اسلام*، ص ۹۵ - ۹۹.

۳. حاتم، *هنر و تمدن اسلامی*، ص ۱۰۰.

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، «بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی» دسته دوم از مفاهیمی است که تغییر فرهنگی را از نظر واتنو ایجاد می‌کند. چنین زمینه‌هایی شامل توسعه‌های بخش‌های اداری، اقتصادی و به ویژه آموزشی و رونق اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی است. در ارتباط با دوران اوایل اسلام، با بافت‌های نهادی مختلفی مواجه هستیم و با توجه بر اهمیتی که اسلام بر سوادآموزی گذاشته بود، زمینه‌های نهادی، در این دوران بسیار چشمگیر عمل کرده‌اند. در بدو ظهور اسلام، در حوزه مسلمین عرب به ندرت کسانی پیدا می‌شدند که از خواندن و نوشتن بهره‌ای داشته باشند. تعداد این گونه کسان از بیست تن تجاوز نمی‌کرد. عواملی چون اهتمام پیامبر اسلام در نشر خط و سواد، ورود ایرانیان و دیگر ملت‌هایی که خط و سواد داشتند به حوزه اسلام، باعث شد کتابت، علوم و آداب، میان اعراب رواج یابد. در دوران خلافت امویان و پس از آن عباسیان، نهضت ترجمه به راه افتاد و در دوران عباسیان این نهضت به شکوفایی رسید. عباسیان که شهرهای بغداد و سامرا را هم بنا نهاده بودند، در دوره منصور عباسی حمایت مناسبی از مترجمان داشتند. ترجمه آثار یونانی، پهلوی و عبری به عربی رواج یافت و ایرانیان که به زبان‌های عربی و پهلوی آشنا بودند، آثار علمی را از جندی شاپور و نقاط دیگر به بغداد آوردند و این شهر به صورت کانون تمدن اسلامی درآمد. پس از شروع نهضت ترجمه در عهد عباسی و ایجاد کتابخانه‌ها، بسیاری از کتب علمی و فلسفی به همت فضلالی ایرانی به عربی درآمد. در این دوران کتابخانه‌های ایران عموماً به مدارس تعلق داشت و این کتابخانه‌های عمومی بودند که طلاب و دیگر علاقمندان، از آنها رایگان استفاده می‌کردند. از آن جمله، کتابخانه نوح بن منصور سامانی بوده است.^۱ توجه به علم نجوم، طب و گاه شماری از خصایص مردم ایران بوده و مخصوصاً در فلکیات و فن ستاره‌شناسی، دارایی افکار و عقایدی بودند که میراث آن به دوره اسلامی رسید؛ ایرانیان بزرگترین حامل علم در اسلام بودند و بیشتر آثار علمی که میان مسلمانان رواج گرفت توسط ایرانیان بود. درهای گشوده دارالعلم بغداد، محافل علم و ادب، و مجالس مجادله، بحث و وعظ، فرهیختگان بی‌شماری را به بغداد جذب کرد. در زمان هارون الرشید روند نهضت ترجمه سرعت بالایی گرفت و رونق علمی مرکز خلافت اسلامی به اوج خود رسید. با افزایش کتاب‌های ترجمه شده، کم‌کم کتابخانه‌هایی در زمان هارون، برای نگهداری آنان تاسیس شد که بدان «بیت‌الحکمه» می‌گفتند.^۲ در قرن چهارم و پنجم هجری قمری، فلسفه یونان از طریق نهضت ترجمه، وارد سرزمین‌های اسلام شد و علوم و فنون یونانی، ایرانی و هندی درهم آمیخت و مایه غنای فرهنگ و تمدن اسلامی شد. در

۱. هاشم‌پور سبحانی، *تاریخ ادبیات ایران*، ص ۷۴ - ۶۴

۲. جان احمدی، *نهضت ترجمه؛ نتایج و پی‌آمدهای آن*، ص ۱۰ - ۱۲.

همین دوران، فلسفه اسلامی توسط فارابی و ابن سینا شکل گرفت.^۱ بیمارستان و مدرسه پزشکی جندی شاپور که پیشینه‌اش به پیش از اسلام می‌رسد، در دوران اسلامی به حیات خود ادامه داد و به عنوان موثرترین عامل پیدایش، رشد و شکوفایی دانش طب در قلمرو اسلام شد. بی‌شمار اصطلاحات طبی و دارویی ایرانی، سریانی و هندی که در طب عصر اسلامی رواج داشت از طریق پزشکان و شاگردان آنان در جندی شاپور به جهان اسلام راه یافت. دانشگاه جندی شاپور در دوره اسلامی نه تنها از بین نرفت، بلکه تأثیراتش بر تمدن اسلامی تداوم یافت.^۲

حکومت ایران را در سده‌های نخستین اسلامی حکامی اداره می‌کردند که از طرف خلیفه از بغداد اعزام می‌شدند. در دوره امویان کمتر اتفاق می‌افتاد که حکام غیرعرب بر سرزمین‌های اسلامی گماشته شود. برخلاف امویان، عباسیان حکام را مستقیماً از دارالخلافه مأمور می‌کردند و عنصر ایرانی در میان ایشان غالب بود. این حکام، ایرانیان را گرد خود جمع کرده و مشاغل اداری و کشوری را به آنها سپردند. حتی طبقه دیرین دوره ساسانی را هم بار دیگر روی کار آوردند و در واقع در دستگاه بنی‌عباس به‌غیراز دین و زبان عربی همه چیز از آداب و رسوم و مراسم و تشکیلات و امور تمدنی ایرانی بود و همین امر هم منجر به استقلال آنان از حکومت خلیفه در بغداد در عهد مأمون شد.^۳ ولی از سده سوم هجری، سلسله طاهریان (۲۰۶ - ۲۵۹ ق) و سلسله سامانی (۲۰۴ - ۳۹۵ ق) بر بخش‌های مهمی از ایران حکومت می‌کردند. رشد واقعی بخش غربی ایران در دوره اسلامی، در دوره آل‌بویه (۳۲۰ - ۴۵۴ ق) بود. حیات فرهنگی این دوره را دو جریان متفاوت متأثر ساخت؛ فرهنگی عربی اسلامی با مرکزیت بغداد که از سوی متفکران آن زمان همچون فارابی، رازی، ابن سینا، در مراکز عمده فلسفی، مذهبی و علمی شمال شرق ایران به‌کار گرفته می‌شد. دیگری فرهنگ ایرانی بود که با زایش زبان فارسی جدید و ظهور نخستین شعر فارسی سنت حماسی ایران، شاهنامه فردوسی مقارن بود. نکته مهم این بود که بیشتر متفکران این دوران در هر دو جریان فرهنگی سهیم بودند و آمیزه‌ای از هویت نژادی و ایمان اسلامی را پدید آوردند.^۴ در دوران سلجوقیان هم خواجه نظام‌الملک وزیر کاردان آنان، مدارس و نهادهای آموزشی را بنا نهاد که بعدها به نام «نظامیه» خوانده شد و در آنها علوم دینی تدریس می‌شد. این مدرسه

۱. حاتم، هنر و تمدن اسلامی، ص ۱۱.

۲. سجادی، جندی شاپور در دوره اسلامی، ص ۲۶۹.

۳. اقبال آشتیانی، تاریخ ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض قاجاریه، ص ۷۲ - ۷۱.

۴. ایتینگهاوزن، الگ گرابار، هنر ایران از قرن دوم تا پنجم هجری، ص ۵۹ - ۵۷.

شعبه‌های دیگری در نیشابور، اصفهان، ری و هرات داشت. مواردی همچون ترجمه آثار به عربی و مدرسی همچون نظامیه، زمینه‌هایی برای گفتمان‌های اسلامی جدید ایجاد کردند؛ و به واسطه جذب علاقمندان و دانشمندان به این مراکز و به واسطه گستره قلمرو اسلامی، این دانش‌ها به سرزمین‌های مختلف گسترش و انتقال یافت.

زنجیره‌های کنش از منظر واثو تصمیمات رهبران و حکام سیاسی در ارتباط با فرهنگ و هنر و چگونگی حمایت رهبران از فرهنگ و هنر را دربرمی‌گیرد. زنجیره‌های کنش در درون بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی روی می‌دهند. بنابراین همان‌گونه که گفته شد نهضت ترجمه و تاسیس بیت‌الحکمه‌ها با حمایت خلفای اموی و عباسی انجام گرفت. در میان حکومت‌های مستقل ایرانی هم این حمایت‌ها انجام می‌گرفت. با ظهور اسلام در ایران، نظام بسته طبقاتی در دوران ساسانی کم‌رنگ گردید. در زمان حکومت طاهریان، اقشار متنفذی از زمین‌داران بزرگ که خود را وارث قدرت ساسانی می‌دانستند، در خراسان حضور داشتند که از درآمد و مکنت مالی مناسبی برخوردار بودند. حکام طاهریان به علم و علما توجه خاصی نشان دادند. طاهر و عبدالله، خودشان از شاعران و نویسندگان توانمند بودند و در رعایت حال نویسندگان و دانشمندان می‌کوشیدند. این علاقه، منجر به ساختن کتابخانه‌هایی گشت که به تقلید از بیت‌الحکمه تاسیس شده بود. از دیگر تلاش‌های فرهنگی حکومت‌های مستقل اسلامی ایرانی، توجه به زبان فارسی بود که در زمان طاهریان پدیدار گشت و در زمان سامانیان نمود پیدا کرد. در زمان سامانیان تجدید حیات زبان فارسی صورت گرفت.^۱ در سده‌های اولیه اسلام حمایت از زبان عربی باعث شد که شاعران به این زبان شعر بسرایند اما از اوایل سده سوم با احیای زبان فارسی توسط خاندان‌های ایرانی، به تدریج زبان فارسی، زبان ادبی و شاعری شد و زبان عربی بیشتر به حوزه علوم و فلسفه منحصر گشت. دو خاندان آل بویه و سامانیان نقش اساسی در احیای فرهنگی ایرانی داشتند.^۲ در دوره آل بویه بواسطه امیران و وزیران، امکانات رفاهی برای اهل علم در کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها تسهیلات برای استفاده از منابع برای عموم علاقه‌مندان و همچنین زمینه حضور گسترده و فعال دانشمندان در این مکان‌های علمی ایجاد شد و به این ترتیب آنها تاثیر خود را در رواج و گسترش فرهنگ و علوم نشان دادند.^۳

مفاهیم دسته دوم شامل تولید، گزینش و نهادینه شدن است. در مرحله تولید، اندیشه‌ها

۱. اکبری، یزدی‌نژاد، مطالعه تطبیقی تشابهات سفالینه‌های متاخر دوره پیش از اسلام و اوایل دوره اسلامی، ص ۳۱۹ - ۳۰۷.

۲. رهنورد، تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی (کتاب آرایه)، ص ۱۰ - ۷.

۳. محمدی، پرویش، جایگاه و اهمیت کتاب و کتابخانه در عصر آل بویه و نقش آن در علم و دانش، ص ۱۳۵ - ۷.

صورت‌بندی می‌شوند و گفتمان‌ها به‌وجود می‌آیند. کتاب‌ها نوشته و دوره‌های درسی ایجاد و کم‌کم مباحث جدید، یا جای مباحث قدیمی را می‌گیرند و یا آن را تکمیل و ارتقا می‌بخشند. این مفاهیم جدید به نحوهای مختلف انتشار می‌یابند و به تدریج به مولفه‌های نسبتاً پایدار ساختار نهادی جامعه مورد نظر تبدیل می‌شوند.^۱ در ایران اسلامی در دوره‌های اولیه، گفتمان‌های علمی تداوم و گسترش پیدا کرده و به صورت نهادینه درآمدند. باید توجه داشت که در عصر ساسانی، توسعه علمی چون پزشکی، نجوم و گاه‌شماری و مهندسی عمران منجر به رشد نسبی رفاه در میان طبقات مختلف اجتماعی گردید. بنیانگذاری دانشگاه جندی شاپور منجر به یک انقلاب علمی در این دوران گردید، به گونه‌ای که دانش‌های مختلف به ویژه دانش پزشکی بیش از پیش چهره علمی به خود گرفت و توانست به میزان زیادی از خرافه فاصله بگیرد به گونه‌ای که حتی پس از دوران ساسانی تأثیرات عمیقی را بر پیکره طب اسلامی بر جای گذاشت.^۲ در کنار این گفتمان علمی غنی، کتاب‌های ترجمه شده از زبان‌های مختلف همچون فارسی، یونانی و سریانی به عربی، در تولید آثار جدید در زمینه فلسفه، راه گشا بود و باعث شد تا حکمایی همچون فارابی، ابن‌سینا، رازی با این اندیشه‌ها آشنا شده و مبانی فلسفه اسلامی را به عنوان گفتمانی جدید پایه‌گذاری کنند. از سوی دیگر، ترجمه کتاب‌های علمی که در برخی موارد تصویری بودند، مقدمه‌ای برای کتاب‌آرایی و استفاده از تصویر در کتاب‌های علمی و در ادامه در کتاب‌های ادبی شد. به واسطه حمایت دربار و وزرا از فرهنگ و هنر در دوره سلجوقیان، تزیین و نگارگری کتب علمی و ادبی در قرن‌های ششم و هفتم هجری در عراق و ایران رواج یافت که بعدها با نام مکتب بغداد شناخته شد. شعرای نامداری همچون نظامی، خیام، انوری، اسدی طوسی و... در این دوران برخاستند و کتابی همچون *خمسه نظامی* بارها تصویرسازی شد.^۳

مفاهیم دسته سوم شامل افق اجتماعی، قلمرو گفتمانی و کنش نمادین هستند. از نظر واثنو محصولات فرهنگی هنری، در زمان و مکان تولید می‌شوند و این دو مختصات، محدودیت‌هایی را بر افق اجتماعی اعمال می‌کنند. به عبارت دیگر افق اجتماعی، میزانی از پیوند و گسست بین محصولات ایجاد می‌کند. در ارتباط با این بخش، دو افق اجتماعی را پیش رو داریم؛ هنر ایرانی متعلق به قبل از اسلام و هنر بعد از اسلام. البته نباید تصور کرد که فتح اعراب، تغییرات بزرگ و ناگهانی در هنر ایران

1. Wuthnow, Robert. *Communities of Discourse: Ideology and Social Structure in the Reformation, the Enlightenment and European Socialism*, pp 76 – 80.

۲. ابوی مهریزی، *علوم در عصر ساسانی (پزشکی، نجوم، مهندسی)*.

۳. رهنورد، *تاریخ هنر ایران در دوره ی اسلامی (کتاب آرای)*، ص ۱۵ - ۱۰.

ایجاد کرد، زیرا اگرچه تغییرات اجتماعی به تدریج صورت گرفت، ولی زندگانی عادی پس از فتح اعراب به همان روش سابق ادامه یافت. اصول صنعتی و هنری که در عصر ساسانیان مراعات می‌شد تا زمانی پس از استیلای اعراب ادامه یافت. این مسئله از روی سکه‌های حکمرانان عرب که به اسلوب شاهنشاهان آخر ساسانی سکه ضرب می‌کردند و حتی یک طرف آن تصویر آتشکده بود ثابت می‌گردد. بنابراین افق اجتماعی جدید، از نظر زمانی در ابتدای کار ادامه‌دهنده دوره قبل است. به عبارت دیگر بین این دو افق اجتماعی پیوند برقرار شد و به تدریج که مبناهای نظری اسلامی شکل گرفت، تغییرات نمایان گردید. در دوره حکومت‌های مستقل ایرانی با توجه به پایتخت‌های آنان که در جدول شماره ۲ آورده شده است، از نظر مکانی بین این حکومت‌ها و مرکز خلافت اسلامی آن زمان (بغداد) فاصله بود و همین دوری از مرکز باعث شد که حکومت‌ها، مستقل عمل کنند و بر طبق نظر واثنو بین این دو افق اجتماعی، گسست از لحاظ مکانی ایجاد شود.

از منظر واثنو، افق اجتماعی در قلمرو گفتمانی نمود پیدا می‌کند. در این پژوهش، حکومت اسلامی بر اساس قرآن و احادیث و پس از آن احکام فقهی خود چارچوب‌هایی را تعیین می‌کند که بر مبنای آن گفتمان‌هایش را شکل می‌دهد. بر طبق آنچه تاکنون گفتیم تشکیل حکومت‌های مستقل ایرانی برای خود گفتمان‌هایی را ایجاد کردند که مقوله‌های آن هر چند زیر لوای حکومت مرکزی بودند، اما در عین حال با کمی تفاوت تشکیل شده بودند. قلمرو گفتمانی حکومت‌های مستقل با مبنا قرار دادن دین اسلام به ویژه در دوران اولیه، پیرو افق اجتماعی ایرانی - ساسانی بود. کنش نمادین در آرای واثنو به آفرینش و نوآوری در فرهنگ اشاره دارد. واثنو برهم زدن مرزهای درون یک نظام با غیرکاربردی ساختن هنرها و یا تهدیدی برای بنیان‌های نهادی آن را باعث انحراف و بی‌ثباتی می‌داند. در بسیاری از کتاب‌های حدیث آمده است که دین با هنر نقاشی صورت و نیز پیکرتراشی به واسطه سابقه آنان در دوران بت پرستی، مخالفت کرده است و همین امر هم باعث عدم رواج این دو هنر در جامعه‌های اسلامی بوده است.^۱ بنابراین از منظر واثنو این دو هنر غیرکاربردی تلقی شده و یا تهدیدی (بت پرستی) برای بنیان‌های نهادی اسلام (توحید) به شمار می‌رفته‌اند. بر این اساس همین محدودیت‌ها باعث نوآوری و ابداع در این هنر گشت و با کنار گذاشتن این سبک و سیاق، به شیوه‌ای نو در هنر که منطبق با بنیان‌های نهادی اسلامی بود دست یافته و به همین دلیل غنای این هنر را باعث شدند. بینش و شناخت تازه‌ای که نصیب هنرمندان مسلمان شده بود از وسعت جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی به دست آمد و سبب شد تا در رشته تخصصی خود دست به ابتکارات و

۱. حاتم، هنر و تمدن اسلامی، ص ۲۱.

نوآوری‌هایی بزند که پیش از آن برای آنها امکان نداشت. همین ویژگی، همراه با استفاده از هر کشورها و ملت‌های گوناگون، غنا و تکامل هویت ویژه هنر اسلامی را سبب شد. هنر اسلامی در زمینه‌های گوناگون دارای پایگاهی والا و چشمگیر است و منشا فعالیت مسلمانان در جهان و مایه ربط هنرمند اسلامی با هنرش، اصولاً توحید است. هنرمند مسلمان تنها از یک منبع گران قدر بهره می‌گیرد که قرآن کریم است.^۱ همین موارد از نظر او باعث آفرینش و نوعی تغییر در فرهنگ می‌شود. بر این مبنا هنرهایی که در پی محدودیت در تصویرسازی و مجسمه‌سازی روی کار آمد، باعث شد هنرمندان مسلمان به هنرهای کتاب‌آرایی، خوشنویسی، تذهیب، نقوش اسلامی، نگارگری اسلامی، و به‌جای مجسمه به معماری و تزیینات وابسته به آن روی آورند و این هنرها را شاخصه‌های اصلی هنر اسلامی سازند. دوران اول هنر اسلامی به معماری و سفال‌گری انحصار داشت و به‌زودی دیگر هنرها مانند خطاطی، تذهیب، کتاب‌سازی، بافندگی و قالی‌بافی، هنرهای تزیینی و حتی موسیقی رواج یافت. در جدول شماره ۱، مفاهیم نظریه واثنو و معادل آنها در دوران پس از اسلام در ایران که در این بخش به آنها اشاره شد به‌طور خلاصه آورده شده است.

جدول شماره ۱. مفاهیم نظریه واثنو و معادل آنها در دوران اولیه ورود اسلام به ایران^۲

ترتیب	مفاهیم نظریه واثنو	معادل مفاهیم واثنو در دوران ورود اسلام به ایران
دسته اول	شرایط محیطی	نظام طبقاتی در دوره ساسانی / از بین رفتن نظام طبقاتی در دوران اسلامی / رواج یک دین واحد و رسمی در دوران اسلامی / پایان یافتن جنگ‌ها / شباهت پایه‌ای دین رسمی ایرانیان (زرتشت) و اسلام
	زمینه‌های نهادی	نهضت ترجمه، تاسیس کتابخانه، تاسیس بیت‌الحکمه، تاسیس نظامیه
	زنجیره‌های کنش	حمایت حکام از فرهنگ و هنر، خود پادشاهان شاعر و هنرمند
دسته دوم	تولید	تولیدات علمی و فرهنگی و هنری بر طبق هنرهای قدیم و جدید
	انتخاب	پذیرش محصولات با موضوعات اسلامی
دسته سوم	نهادینه شدن	جایگزین شدن آثار اسلامی با آثار ایرانی
	افق اجتماعی	فضای زمانی (قبل از اسلام) و مکانی (پایتخت‌های حکومت‌های مستقل ایران و دوری و نزدیکی آنان از مرکز خلافت) که با قبل از خودش پیوند و گسست دارد
	قلمرو گفتمانی	اسلام و قرآن / و حکومت‌های ایرانی مسلمان مستقل
	کنش نمادین	تولید آثار ایرانی اسلامی / از بین رفتن مجسمه‌سازی و نقاشی شمایل بر مبنای احکام فقهی مسلمانان در دوران اولیه اسلامی

۱. دوران، تاریخ تمدن (عصر ایمان)، ج ۴، ص ۸ - ۲۴۶.

۲. طراح: نگارندگان.

بر اساس جدول شماره ۱، در دوران اوایل ورود اسلام به ایران شاهد تغییرات تدریجی بر مبنای مفاهیم نه گانه واثو هستیم. اما این مفاهیم نظری بیشتر در قالب فرهنگ می‌گنجد و نظریه واثو هم بر همین اساس یعنی تغییر فرهنگ شکل گرفته است. برای ملموس تر شدن این مفاهیم و با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر در ارتباط با هنر است، جدول شماره ۲ به بررسی هنر ایران قبل و بعد از اسلام می‌پردازد و چگونگی روند این تغییر از هنر ساسانی تا هنر بعد از اسلام و تاثیر تغییر فرهنگی را در این دوران بررسی می‌کند. از هر دوره، چهار نمونه انتخاب شده است و آثار هر نمونه با دو مورد فرم و محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۲. روند تغییر هنر ایرانی به اسلامی از دوره ی ساسانی تا خوارزمشاهی^۱

نام / سال / نوع حکومت / پایتخت	تصویر ۱	تصویر ۲	تصویر ۳	تصویر ۴	توضیحات
ساسانی / ایرانی / تیسفون / ۲۲۴ - ۶۵۱ م					— محتوای آثار حکومت شاهنشاهی ایران، قدرت و اقتدار حکومت و پادشاه — صحنه شکار — پرسپکتیو مقامی — حلقه قدرت مشروعیت بخشی به پادشاهی — نمادی مثل عقاب قدرت و عظمت و اقتدار
طاهری / ایرانی - اسلامی / مرو، نیشابور / ۸۲۱ - ۸۷۳ م					— متأثر از هنر ساسانی (تصویر ۱) در به کاربردن تصویر حکام روی سکه در کنار نوشته‌های اسلامی — تداوم علوم رایج در دوره ساسانی تصویر ۲ رصدخانه — تصویر ۳ و ۴ هم تاثیر اسلام و نوشتن شعار اسلامی

۱. طراح: نگارندگان.

2. <https://www.destinationiran.com>

۳. همان.

4. <https://www.numisbids.com/n.php?p=lot&sid=272&lot=1372>

5. www.pinterest.com

6. <https://www.irangazette.com/Taherids>

7. https://www.nationalgeographic.org/media/greater_kyz_kala/

8. <https://www.numisbids.com/n.php?search=su&p=sale&sid=3277>

۹. همان.

نام / سال / نوع حکومت/ پایتخت	تصویر ۱	تصویر ۲	تصویر ۳	تصویر ۴	توضیحات
سامانی / ایرانی - اسلامی / سمرقند، بخارا / ۸۷۴ - ۱۰۰۴ م					<p>- استفاده از موضوع ایرانی (کشتی خراسان) در تصویر ۱ و کتیبه به خط کوفی در تصویر ۲. برخی خط‌های رواج یافته در ایران به خصوص کوفی به سبک ایرانی با خطوط پهلوی و اوستایی مشابه است.^۵</p> <p>- استفاده از شکل چهارطاقی ساسانی در معماری</p> <p>- آجر کاری و نقوش تزیینی اسلامی در معماری</p> <p>- استفاده از کتیبه به شیوه اسلامی در ضرب سکه</p>
آل بویه ایرانی - اسلامی / بغداد، شیراز، ری / ۹۳۲ - ۱۰۵۵ م					<p>- استفاده از نقوش نمادین، و کتیبه‌های اسلامی در تصویر ۱</p> <p>- نقش تصویر ۲ شبیه نقش ظرف ساسانی شماره ۴ ولی تزیین با کتیبه به شیوه اسلامی در حاشیه</p> <p>- تصویر ۳، پارچه شبیه ساسانی و تزیین نقوش اسلیمی</p> <p>- تصویر ۴، پادشاه بر روی مدال، شبیه ساسانی اما پوشش و تزیین سلاح به شیوه اسلامی</p>

1. https://www.davidmus.dk/en/collections/islamic/dynasties/samanids/art/13_1975

2. https://www.christies.com/en/lot/lot_4979399

3. https://www.pinterest.com/pandktucker/samanid_mausoleum_bukhara_uzbekistan/

4. <https://www.vcoins.com/en/stores/>

۵. یوسفی، خوشنویسی (از سری مقالات دانشنامه بریتانیکا)، ص ۲۱.

6. <https://squarekufic.com>

7. www.pinterest.com

8. <https://iranicaonline.org>

9. www.pinterest.com

نام / سال / نوع حکومت/ پایتخت	تصویر ۱	تصویر ۲	تصویر ۳	تصویر ۴	توضیحات
سلجوقی ایرانی - اسلامی / نیشابور، ری، اصفهان ۹۲۰ - ۱۱۹۶					<p>- موضوع قرار گرفتن ادبیات فارسی در تصویر ۱</p> <p>- استفاده از آجرکاری و تزیینات کتیبه‌ای به شیوه اسلامی تصویر ۲</p> <p>- رواج کتاب آرایبی بیشتر ایرانی و کمتر متأثر از مکتب بغداد.^۵</p> <p>- تزیین ظرف سفالی به شیوه ایرانی و اسلامی تصویر ۴</p>
خوارزمشاهی ایرانی - اسلامی/ نیشابور، ری، مرو ۱۰۹۸ - ۱۲۲۰ م					<p>- تزیین ظرف در تصویر شماره ۱ با استفاده از نقوش و کتیبه‌های اسلامی</p> <p>- سکه ضرب شده با نوشته‌هایی به خط اسلامی</p> <p>- تزیین‌های نقوش اسلامی و کتیبه‌های در معماری تصویر ۳ و چهارطاقی که از ساسانیان گرفته شده است و شیوه‌ای ایرانی است.^{۱۰}</p> <p>- آجرکاری و تزیین کتیبه‌های مضامین اسلامی با آجر تصویر ۴</p>

با توجه به جدول شماره ۲ یک روند منطقی در تغییر هنرها مشاهده می‌شود، بدین معنی که با ورود اسلام به ایران به یک‌باره و ناگهانی فرهنگ و به دنبال آن هنر تغییر نکرده، بلکه به تدریج این عمل روی داده است و برخی عوامل همچون احیای زبان فارسی و سروده شدن شاهنامه حتی این

1. www.pinterest.com
2. www.deviantart.com
3. www.pinterest.com

۴. همان.

۵. دیباج، تاریخ نقاشی ایران از آغاز تا عصر حاضر، ص ۱۸.

6. www.pinterest.com
7. <http://malekmuseum.org/timeline/front?era=18>
8. www.pinterest.com

۹. خوارزمی، دانشنامه جهان اسلام، ص ۲۲.

۱۰. آیت‌اللهی، مروری بر نگارگری ایرانی، ص ۲۷.

روند را کندتر کرد. به عنوان نمونه، سکه دوره طاهری شبیه سکه ساسانی است و طرح ظرف در آل بویه را در دوره ساسانی هم مشاهده می‌شود و در نمونه‌های موجود در جدول شماره ۲ در دوره خوارزمشاهیان تقریباً همگی به شیوه اسلامی کار شده‌اند (توضیح بقیه موارد در جدول آمده است). در سفال دوره سامانی موضوع ایرانی را مشاهده می‌کنیم که حتی چهره انسان هم به تصویر درآمده است. موضوع تدریجی بودن و یا حتی گاه توقف این تغییر را به دو دلیل می‌توان بررسی کرد. نخست، قدرتمندی و اقتدار امپراطوری ایران در زمینه فرهنگی و هنری به واسطه پیشینه غنی این سرزمین، و عامل دیگر نوپابودن دین اسلام و حکومتی که بر پایه آن شکل گرفته بود. از آنجاکه اسلام محتوا محور و برپایه اصول و آموزه‌های قرآنی شکل گرفته بود؛ لازم بود تا بر همین مبناها تمدن و فرهنگ خود را بسازد. بنابراین هنوز زمان طولانی باید سپری می‌شد تا بتواند به فرهنگ سازی مستقل بر مبنای اصول اختصاصی و گفتمان‌های خود بپردازد. حرکت رو به جلوی فرهنگ و تمدن در هر سرزمینی به ویژه ایران هم پویا بود و نمی‌توانست از حرکت بایستد و منتظر بماند تا فرهنگ اسلامی شکل مختص به خود را بسازد، بنابراین، فرهنگ آموزه‌های اسلامی را به تدریج در فرهنگ و هنر خود وارد ساخت و در کنار هم به انسجام رسیدند.

نتیجه

ورود اسلام به ایران با توجه به شعارها و مبنای آن و برداشتن موانعی همچون نظام طبقاتی، راه رشد فرهنگی را برای همگان گشود. سیاست‌های حکام در حمایت از دانشمندان، ادیبان و هنرمندان هم موردی بود که در تغییر فرهنگ، موثر بود. فرهنگ کهن ایرانی با انقراض ساسانیان از بین نرفت، بلکه به نیروی معنوی اسلامی مجهز شد و بالندگی را آغاز کرد. شرق ایران که زبان فارسی از آنجا احیا شد، نقاشی ایران را رقم زد. شاهنامه فردوسی که در این دوران سروده شد، هم سنت‌ها را حفظ کرد و هم مایه اصلی نقاشی دوران بعد از خود را فراهم ساخت. پیدایش حکومت‌های مستقل ایرانی از عوامل موثر در بقای میراث پیشااسلامی بود. در عهد سامانیان شهرهای بخارا و سمرقند به کانون‌های فرهنگی فعال در ماورالنهر بدل شدند و در برابر بغداد اهمیت بسیار کسب کردند. دانش پژوهان فعال در بغداد از اواخر قرن دوم هجری، کار ترجمه متون مختلف به زبان عربی را آغاز کردند. پیامد این فعالیت، رواج تصویرگری، نخست در کتاب‌های علمی و سپس در کتاب‌های تاریخی و داستانی بود. دوره سلجوقیان از مهمترین دوران تاریخی هنر اسلامی و ادبیات فارسی بود. در این دوره خمسه نظامی سروده شد و معماری، فلزکاری و سفالگری به اوج شکوفایی رسید. بنابراین،

می‌توان ادعا کرد که ماهیت مضامین و درون‌مایه‌هایی که در آثار هنری مطرح می‌شوند و الگوهای گفتاری مطرح شده در آن، تابعی است از ماهیت قلمرو گفتمانی که آثار هنری در آنها تولید می‌شوند. در پژوهش انجام گرفته با توجه به دو دوره قبل و بعد از اسلام، و نظریه واثنو در رابطه با تغییر فرهنگ، از میان سه دسته مفاهیمی که وی برای تغییر فرهنگ لازم می‌شمرد، مشخص شد که برخی برجسته‌تر عمل کردند. در دسته مفاهیم اول، شرایط محیطی که برافتادن نظام طبقاتی را در پی داشت، و بافت‌های نهادی که در این دوره شامل نهضت ترجمه و به دنبال آن رواج کتاب‌آرایی و راه یافتن فلسفه یونان به سرزمین‌های اسلامی و ایجاد فلسفه اسلامی، تاسیس بیت الحکمه‌ها، مدارس نظامیه و کتابخانه‌های مختلف بود، بیشترین نقش را در تغییر فرهنگ ایفا نمودند. زیرا اسلام دینی نوپا بود و چون محتوا محور بود و بر مبنای قرآن و آموزه‌ها و حکمت اسلامی پی‌ریزی شده بود، این بافت‌های نهادی برای آن ضروری بود. بعد از تشکیل این نهادها بود که هنر اسلامی جایگاه یافت و کم‌کم به اصول و چارچوب و به قول واثنو به افق اجتماعی و قلمرو گفتمانی خود دست یافت.

از طرف دیگر حکومت‌های مستقل اسلامی، از آنجاکه میراث‌دار فرهنگ غنی ایرانی بودند، در سال‌های اولیه ورود اسلام به ایران، در کنار روی آوردن به اسلام و احترام به دین خود، عناصر فرهنگی خود را تداوم بخشیدند و با احیای زبان فارسی و خلق شاهنامه در این دوران بود که ایرانی بودن هنر و فرهنگ هم حفظ شد و هنر ایرانی تا مدت‌ها در کنار هنر اسلامی قرار داشت. اما با توجه به محدودیت‌هایی که در برخی از احکام فقهی اسلامی وجود داشت مانند حرمت تصویر در آثار هنری و گرایش به سادگی، این محدودیت‌ها از نظر واثنو منجر به رونق هنرهای مختص اسلامی، و نوآوری‌هایی در این هنر شد. بنابراین با حرکت تدریجی فرهنگ رو به اسلامی شدن، و نداشتن اختلافات ریشه‌ای بین دو فرهنگ اسلامی و ایرانی، دو فرهنگ در کنار یکدیگر قرار گرفتند و برخی عناصر محدود شونده، حذف و هنرهای جدید و یا نوع دیگری از هنرهای پیشین جانشین هنر قدیمی شد. اما این چنین هم نبود که هنر ایرانی در هنر اسلامی کاملاً محو شود، بلکه به واسطه رخنه قلبی که اسلام در دل ایرانیان ایجاد کرده بود، جایگاه و تاثیرش را در هنر اسلامی حفظ کرد که می‌توان به شیوه معماری، کتاب‌آرایی حماسی براساس شاهنامه اشاره کرد.

ایرانیان در آثار هنری خود در دوران بعد از اسلام، رویه ایرانی بودن خود را کنار نگذاشتند بلکه از مضامین اسلامی در محتوای آثار خود بهره بردند و به نوعی هنر ایرانی و اسلامی ایجاد کردند. به عنوان نمونه سفالگری دوران اسلامی در سه قرن اولیه دقیقاً ادامه هنر سفال‌گری دوره ساسانی است.

سفالگری دوره ساسانی به دلیل توجه بیشتر به استفاده کاربردی، در کمال سادگی و درحد رفع نیازهای روزمره بود. قبول دین اسلام در قلمرو وسیع ساسانیان و تغییر فرهنگ از تجمل‌پرستی به ساده‌گرایی و ساده‌زیستی موجب شد که ساخت آثار تزئینی از طلا و نقره منسوخ شده و بار دیگر به ساخت ظروف سفالین پرداخته شود. سفال‌های قرون اولیه اسلامی تا اواخر قرن چهارم با تزئین‌های ساده شروع می‌شود و به‌تدریج کتیبه کوفی تمام سطح زمین را پر می‌کند. بنابراین، این روند تغییر فرهنگی که ایجاد شد، و ابتدا مینا را بر مستحکم ساختن بافت‌های نهادی قرار داد و سپس بر آن اساس تغییر تدریجی در هنر ایجاد شد، عامل مهمی در غنای هنر اسلامی شد که می‌تواند جهت آسیب شناسی هنر اسلامی در دوران مختلف به ویژه دوره معاصر در کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. آیت‌اللهی، حبیب‌الله، «مروری بر نگارگری ایرانی، جستارهایی در چیستی هنر اسلامی»، **مجموعه مقالات و درس‌گفتارها**، به اهتمام هادی ربیعی، ص ۳۵ - ۲۵، تهران، موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن)، چ ۲، ۱۳۹۰.
۲. ابونئی مهریزی، نادیه، **علوم در عصر ساسانی (پزشکی، نجوم، مهندسی)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، راهنما روزبه زرین کوب، رشته تاریخ ایران باستان، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
۳. احمدی، اصغر، و دیگران، «تبیین جامعه‌شناختی تولید گفتمان ادبیات داستانی سیاسی در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی»، فصلنامه **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دوره ۳، ش ۱، ص ۳۳ - ۱، تهران، دانشگاه تهران، بهار ۱۳۹۳.
۴. اقبال آشتیانی، عباس، **تاریخ ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض قاجاریه**، تهران، دبیر، چ ۲، ۱۳۹۲.
۵. اکبری، عباس و حسین یزدی‌نژاد، «مطالعه تطبیقی تشابهات سفالینه‌های متاخر دوره پیش از اسلام و اوایل دوره اسلامی»، **مطالعات تطبیقی هنر**، ش ۵، ص ۳۱ - ۱۷، اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۶. ایتینگهاوزن، ریچارد، الگ گرابار، «هنر ایران از قرن دوم تا پنجم هجری»، **نامه پژوهش**، ترجمه یعقوب آژند، ش ۴، ۱۳۷۶.
۷. براتی، زینب و محسن جاوری، «سفالینه‌های نیشابور و سامرا در قرون سوم و چهارم هجری»، **هنرهای صناعی ایران**، دوره دوم، ش ۱، ص ۶۷ - ۵۷، کاشان، دانشگاه کاشان، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.

۸. جان احمدی، فاطمه، «نهضت ترجمه؛ نتایج و پی آمدهای آن»، *تاریخ اسلام*، ش ۴، ص ۱۴۳ - ۸۶، قم، دانشگاه باقرالعلوم، زمستان ۱۳۷۹.
۹. حاتم، غلامعلی، *هنر و تمدن اسلامی*، تهران، پیام نور، ۱۳۸۸.
۱۰. خالدین، ستار، «تأثیر هنر ساسانی بر سفال دوره اسلامی»، *باستان پژوهشی*، ش ۱۶، ص ۳۰ - ۱۹، ۱۳۸۷.
۱۱. خوارزمی، محمد بن موسی، *دانشنامه جهان اسلام*، ترجمه احمد جبار و حمیدرضا گیاهی یزدی، ج ۱۶، تهران، خوارزمی، ۱۳۹۱.
۱۲. دورانت، ویل، *تاریخ تمدن (عصر ایمان)*، ج ۴، ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران، چ ۳، تهران، مرکز، ۱۳۷۱.
۱۳. دیباج، مرتضی، *تاریخ نقاشی ایران از آغاز تا عصر حاضر*، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۱۴. رهنورد، زهرا، *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی (کتاب آرایه)*، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
۱۵. سجادی، صادق، «جندی شاپور در دوره اسلامی»، *نامه پژوهش*، ش ۴، ص ۲۸۸ - ۲۶۹، بهار ۱۳۷۶.
۱۶. کریستن سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر و ساحل، چ ۳، ۱۳۸۲.
۱۷. کشاورز افشار، مهدی و رویا روزبهانی، «تأثیر گذاری ساختار اجتماعی در گرایش به سبک های جدید نقاشی ایران (دهه چهل و پنجاه شمسی) با تأکید بر دیدگاه رابرت و سنو»، *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، ش ۸، ص ۱۶ - ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۱۸. محمدی، ذکراالله و محسن پرویش، «جایگاه و اهمیت کتاب و کتابخانه در عصر آل بویه و نقش آن در علم و دانش»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال سوم، ش ۹، ص ۱۵۰ - ۱۲۷، تابستان ۱۳۹۰.
۱۹. محمدی، مریم و اعظم دینی، «تأثیر نقوش تزئینی دوره ساسانی بر تزئینات معماری بناهای اوایل اسلامی در نیشابور»، *پژوهش های باستان شناسی ایران*، دوره ۸، ش ۱۷، ص ۲۴۱ - ۲۲۱، همان، دانشگاه بوعلی سینا، تابستان ۱۳۹۷.
۲۰. مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل ایران و اسلام*، تهران، صدرا، ۱۳۹۷.
۲۱. مهر آیین، مصطفی، شرایط تولید فرهنگ: ریشه های ظهور منریسم اسلامی در هند، مصر و ایران، *رساله دکتری جامعه شناسی*، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشکده تربیت مدرس، ۱۳۸۶.

۲۲. نوروزی قره قشلاق، حسین و آزاده ابنا، بررسی ویژگی‌های فرهنگی هنری فلزکاری، در اوایل دوره اسلامی ایران، *اولین همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی*، ۱۳۹۴.
۲۳. هاشم‌پور سبحانی، توفیق، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران، دانشگاه پیام نور، چ ۵، ۱۳۹۰.
۲۴. وسنو، رابرت، *جامعه‌شناسی فرهنگ، نظریه‌ای درباره رابطه اندیشه و ساختار اجتماعی*، ترجمه مصطفی مهرآیین، تهران، کرگدن، ۱۳۹۹.
۲۵. یوسفی، غلامحسین، *خوشنویسی (از سری مقالات دانشنامه ی بریتانیکا)*، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه و ویرایش زیر نظر پیمان متین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
26. Wuthnow, R, *Communities of Discourse: Ideology and Social Structure in the Reformation, the Enlightenment and European Socialism*, Cambridge: Harvard Uni, Press, 1998.
27. Wuthnow, R, *All in Sync (How Music and Art Revitalizing American Religion)*, University of California Press, 2003.
28. <http://malekmuseum.org/timeline/front?era=18>
29. <https://iranicaonline.org>
30. <https://squarekufic.com>
31. https://www.avidmus.dk/en/collections/islamic/dynasties/samanids/art/13_1975
32. https://www.christies.com/en/lot/lot_4979399
33. <https://www.destinationiran.com>
34. <https://www.irangazette.com/>
35. https://www.nationalgeographic.org/media/greater_kyz_kala/
36. <https://www.numisbids.com/n.php?p=lot&sid=272&lot=1372>
37. <https://www.numisbids.com/n.php?search=su&p=sale&sid=3277>
38. https://www.pinterest.com/pandktucker/samanid_mausoleum_bukhara_uzbekistan/
39. <https://www.vcoins.com/en/stores/>
40. www.deviantart.com
41. www.pintrest.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی